

آرامی قوم خدا

¹Let us therefore fear, lest, a promise being left us of entering into his rest, any of you should seem to come short of it.²For unto us was the gospel preached, as well as unto them: but the word preached did not profit them, not being mixed with faith in them that heard it.³For we which have believed do enter into rest, as he said, As I have sworn in my wrath, if they shall enter into my rest: although the works were finished from the foundation of the world.⁴For he spake in a certain place of the seventh day on this wise, And God did rest the seventh day from all his works.⁵And in this place again, If they shall enter into my rest.⁶Seeing therefore it remaineth that some must enter therein, and they to whom it was first preached entered not in because of unbelief:⁷Again, he limiteth a certain day, saying in David, To day, after so long a time; as it is said, To day if ye will hear his voice, harden not your hearts.⁸For if Jesus had given them rest, then would he not afterward have spoken of another day.⁹There remaineth therefore a rest to the people of God.¹⁰For he that is entered into his rest, he also hath ceased from his own works, as God did from his.¹¹Let us labour therefore to enter into that rest, lest any man fall after the same example of unbelief.¹²For the word of God is quick, and powerful, and sharper than any twoedged sword, piercing even to the dividing asunder of soul and spirit, and of the joints and marrow, and is a discerner of the thoughts and intents of the heart.¹³Neither is there any creature that is not manifest in his sight: but all things are naked and opened

¹پس بترسیم مبدا با آنکه وعده دخول در آرامی وی باقی می‌باشد، ظاهر شود که احدی از شما قاصر شده باشد.²زیرا که به ما نیز به مثال ایشان بشارت داده شد، لکن کلامی که شنیدند بدیشان نفع نبخشید، از اینرو که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند.³زیرا ما، که ایمان آوردیم، داخل آن آرامی می‌گردیم، چنانکه گفته است: در خشم خود قسم خوردم که به آرامی من داخل نخواهند شد. و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود.⁴و در مقامی درباره روز هفتم گفت که: در روز هفتم خدا از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.⁵و باز در این مقام که: به آرامی من داخل نخواهند شد.⁶پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنانی که پیش بشارت یافتند، به سبب نافرمانی داخل نشدند،⁷باز روزی معین می‌فرماید چونکه به زبان داود بعد از مدت مدیدی، امروز، گفت، چنانکه پیش مذکور شد که: امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید.⁸زیرا اگر یوشع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن دیگر را ذکر نمی‌کرد.⁹پس برای قوم خدا آرامی سبب باقی می‌ماند.¹⁰زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید، چنانکه خدا از اعمال خویش.¹¹پس جدّ و جهد بکنیم تا به آن آرامی داخل شویم، مبدا کسی در آن نافرمانی عبرت‌آمیز بیفتد.¹²زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دودم و فرورونده، تا جدا کند نفّس و روح و مفاصل و مغز را، و مُمَيِّز افکار و نیت‌های قلب است،¹³و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است، برهنه و منکشف می‌باشد.

برتری عیسی بر کاهنان اعظم

¹⁴پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم.¹⁵زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه.¹⁶پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند.

unto the eyes of him with whom we have to do.¹⁴ Seeing then that we have a great high priest, that is passed into the heavens, Jesus the Son of God, let us hold fast our profession.¹⁵ For we have not an high priest which cannot be touched with the feeling of our infirmities; but was in all points tempted like as we are, yet without sin.¹⁶ Let us therefore come boldly unto the throne of grace, that we may obtain mercy, and find grace to help in time of need.